

یشت بوم

آیاتانتر شایسته‌بلیت ۱۰۰هزار تومانی نیست؟



● **حسین عبدالهاشم‌پور**

● حیرت‌آور بود: بیانی‌های که یک نهاد صنفی در مذمت تئاتر «عاشقانه‌های نازارام» رسانه‌ای کرد: واژگانی خشمگین و لحنی برآشفته که گویی از زبان سیاست‌مداران و نه هنرمندان ادا می‌شود! راستش این بیانی‌ه به‌جای دلسوزی، بوی حسادت می‌داد؛ لطفاً این پنج نکته را بخوانید، ببینید آیا هم‌نظرم:
۱- در این بیانی «بلیت صد هزار تومانی برای نمایش را عجیب، باورنکردنی و فاجعه‌آمیز خوانده‌اند و اصل قراردادن گیشه و فروش هرچه‌بیشتر برای تئاتر را مذموم دانسته‌اند.»
دیروزها دغدغه تئاتر مستقل دارد؛ تئاتری که در آن به جامعه تئاتری و شناختش از خط قرمزها احترام بگذارد و خطوط نظارت در آن پهن و بربرک نباشد؛ آیا با بلیت ۱۰ هزار تومانی و تأمین هزینه‌ها از جیب دولت، چنین رؤیایی مجال تحقق می‌یابد؟ آیا تئاتر باید مترادف فقر و تكدستی باشد تا اندیشه‌ورز باقی بماند؟

افسوس که نویسندگان محترم بیانی‌ه مزبور برای ناآل‌آمدن به هدفشان، برانگیختن احساسات جامعه تئاتری، بداخلاقی هم کرده و نگفته‌اند: «قیمت بلیت‌های نمایش «عاشقانه‌های نازارام» از ۲۰ تا یکصد هزار تومان شاور است و از جمع ۷۲۰ صندلی تالار وحدت فقط سه، چهار ردیف بلیتشان یکصدهزار تومان است.»

۲- افسوس که یک نهاد صنفی به‌جای گستراندن چتر حمایتی وسیع که امید و کار را تشویق کند، بیانی‌ه دهد: «بای افرادی به تئاتر (باز شده) که جز پول و سرمایه هیچ چیز دیگری ندارند.» این در حالی است که کارگردان مزبور تحصیلات آکادمیک در زمینه تئاتر دارد و گفته می‌شود در بیش از ۲۰ کار دستیار کارگردان بوده است.

۳- حفظ شأن تالار وحدت، دغدغه عمومی جامعه هنری است، بدیهی است رعایت استانداردهای آثاری که روی این صحنه خاص می‌روند هم الزامی است، اما اینکه یک کارگردان نمایش‌اولی نباید به‌هیچ‌وجه چنین امکانی را بیابد، نمی‌تواند حرف کارشناسی به حساب آید، کارگردانی را می‌شناسیم که اتفاقاً یکی از بهترین آثارشان همان کار اول است؛ به نظر می‌رسد بهتر است گفته شود که کار خوب، یک اثر هنری شاخص، فارغ از اینکه کار چندان کارگردانش است، باید مجال اجرا در تالار وحدت بیابد.

نکته جامانده درباره تالار وحدت این مهم هم هست که آن روزهایی که این تالار آماج برنامه‌های مناسبیتی ضعیف بود و تئاترهایی بی‌کیفیت در آن روی صحنه می‌رفت که مجبور می‌شدند برایش اتوبوس‌توبوس تماشاچی را بیاورند، این‌گونه بیانی‌ه‌ها چرا اعلان نشد؟

۴- «فاجعه، دیگر در راه نیست بلکه اتفاق افتاده است. فاجعه‌ای به نام عاشقانه‌های نازارام.» با این جمله تند که بوی خیری از آن استشمام نمی‌شود، بیانی‌ه مزبور به پایان رسیده است؛ آن‌هم در قبال یک اثر نمایشی که جمعی از چهره‌های هنری صاحب‌نام نیز در خلق آن کوشیده‌اند.

تا امروز همه تلاش اهل هنر در مواجهه با توقیف یک کتاب یا لغو کنسرت موسیقی این بوده که بگویند هیچ‌وقت یک اثر هنری، فاجعه‌ای به بار نمی‌آورد و نباید از آن هراسید، حالا یک بیانی‌ه برآمده از اهالی هنر، دلوایی‌سی‌هایی طرح می‌کند که لحشت تنها به مذاق آنهایی خوش می‌آید که در اندیشه‌ش تحدید فضای هنر کشورند! مرور بازتاب‌های این بیانی‌ه خود گواه این مدعاست؛ آنچه این‌روزها تئاتر و کل هنر ما را می‌آزارد، چنین حکم‌های تک‌نظرانه‌ای است که سبب شده در میان مردم بیپچد، «هنرمندان چشم بدین موقعیت یکدیگر را ندارند»، هرچه آسیب و فاجعه است، اتفاقاً از چنین خال‌هایی است که به تئاتر و بدنه هنر کشور وارد می‌شود.

۵- مردم بهترین دارند؛ باید برای این انتخاب مردم احترام قائل بود. اثر هنری دلخواسته آنهاست که دیده می‌شود؛ اگر خواهان تئاتر مستقل هستیم، باید چشم بر جیب دولت بست و از بودجه دولتی انتظار تأمین زیرساخت‌ها و گسترش نهادهایی مانند سالن‌های خصوصی داشت؛ هنرمند باید دل به مردم بسپارد؛ مردم صاحب اصلی هنرند.

کالری گر دی

«مارادونای محصور» در طراحان آزاد

● **شرق**: پرفورمنس «مارادونای محصور» جمعه ۱۲ تیرماه در گالری طراحان آزاد اجرا می‌شود. در این اجرای نیم‌ساعته، صالح تسیبحی و فروه فاموری شعری از علی اسداللهی را نیز خواهند خواند. «مارادونای محصور» ساعت شش عصر آغاز می‌شود. پرفورمنس، نوعی از اجرای زنده است که در آن از عناصر هنرهای تجسمی، نمایش و موسیقی استفاده می‌شود. گالری طراحان آزاد در میدان قاسمی، میدان گل‌ها، میدان سلماس، پلاک ۵ واقع شده است.

فرهنگ

هنر

محمد معتمدی:

فرهنگ را دستخوش نزاع‌های سیاسی نکنیم

● **در یکی از تازه‌ترین اظهارنظرهایی که در مورد لغو کنسرت‌ها شده، گفته شده است «درباره لغو کنسرت‌ها بزرگ‌نمایی می‌شود». به‌نظر شما تا به حال چقدر موضوع لغو کنسرت‌ها بزرگ‌نمایی شده است؟**

مسئله بزرگ‌نمایی در میان نیست. موسیقی، بحث امروز و دیروز نیست که به‌دلیل لغو چند کنسرت، مطرح شود. موسیقی سال‌هاست از سوی عده‌ای که تحت نگرش‌هایی هستند که دیدگاه کامل یا درستی نیست، مورد بی‌مهری تاریخی قرار گرفته و به واسطه تصوراتی که در این زمینه وجود دارد، موسیقی از هر نوع و ژانری، حرام شمرده می‌شود و به‌قطع‌یقین این نگرش نمی‌تواند درست باشد چون در بحث فقهی، باید به منابعی مانند قرآن و احادیث مراجعه کنیم. در قرآن به صورت مستقیم به موسیقی اشاره نشده است و تفسیرهایی که در مورد حرام‌بودن آن شده، ناشی از این آیه قرآن است که از کار بی‌مهوده دوری کنید. برخی، موسیقی را به کار بی‌مهوده مرتبط دانسته‌اند اما این تفسیر درست نیست. موسیقی به‌خصوص در قرن حاضر می‌تواند معرفی‌کننده سبک زندگی یک جامعه باشد. من همیشه در ذهنم یک سؤال از آنها که با موسیقی مخالفت جدی داشته‌اند، دارم هرچند که هیچ‌وقت پاسخی دریافت نکرده‌ام. در قرآن شش مورد در مورد ربا صحبت شده و به ابای بشر گفته شده است اگر ربا را ترک نکنند، به جنگ با خدا رفته‌اند. الان در برخی از بنگاه‌های اقتصادی شاهد این مسئله هستیم؛ چرا معترضان جلوی چنین مؤساتی اقامه نماز نمی‌کنند یا از ورود و خروج مشتریان آنها جلوگیری نمی‌کنند؟ آنها که می‌خواهند حکم خدا را اجرا کنند، می‌توانند مانع فعالیت این بنگاه‌ها شوند اما درباره موسیقی که حکم صریحی هم در مورد آن نداریم، این اتفاق می‌افتد و از جانب طیف‌هایی که مخالف برنامه‌های موسیقی هستند، شاهد انجام این اقدام‌ها در موارد دیگر نیستیم. مثل اینکه جلوی فعالیت مؤسات اقتصادی را بکنند یا بگیرند. ضمن اینکه در احادیثی که در مورد موسیقی به آن استناد می‌شود دو وجه وجود دارد که سندیت محکمی ندارند یا اگر به‌طرقی بتوان به سندیت آن استناد کرد، دلالت بر انواعی از موسیقی است که انسان را به گناه مشغول می‌کند، درحالی‌که ما در کشورمان مجوز تولید چنین موسیقی‌ای نداریم. وقتی شاهد لغو کنسرت‌ها هستیم، نمی‌دانیم پشت پرده چیست. معمولاً در

مورد لغو کنسرت‌ها اعلام می‌شود دارای چه موارد خلافی بوده‌اند اما توضیح بیشتری داده نمی‌شود و به همین دلیل یک ابهام بزرگ و علامت سؤال در اذهان عمومی ایجاد و به دنبالش، این نتیجه‌گیری می‌شود که دستگاه‌هایی که اقدام به لغو کنسرت می‌کنند، نمی‌خواهند روی خوشی به موسیقی نشان دهند. به اعتقاد من در شرایطی که به‌گفته مسئولان، ما در تقابل فرهنگی هستیم، وقتی اتفاق‌هایی مانند لغو کنسرت روی می‌دهد و ما حتی محلی برای عرضه موسیقی در کشور نداریم، چگونه خواهیم توانست فرهنگمان را به دیگر کشورها منتقل کنیم؟

● **تاکنون بیشتر شاهد اظهارنظر مسئولان مرتبط با کنسرت‌های موسیقی مانند مدیران وزارت ارشاد و اهالی هنر بودیم اما در چند روز گذشته به‌خصوص در مراسم‌های افطار، صحبت‌هایی از سوی افراد سیاسی نیز شده است. چرا موسیقی به‌عصرای برای نزاع‌های سیاسی تبدیل شده است؟**



محمد معتمدی

سحر آزاد

محمد معتمدی این روزها در کنار سالار عقیلی، خواننده ارکستر موسیقی ملی ایران است که به رهبری **فرهاد فخرالدینی** و بعد از چند سال تعطیلی فعالیت خود را از سر گرفته است. او پیش از این، همکاری‌هایی نیز با **مجید درخشانی**، **محمد رضا لطفی**، **حسین علیزاده** و.. داشته است. معتمدی این روزها مشغول تولید چند آلبوم در مؤسسه‌ای است که آن را ثبت کرده. او می‌گوید **لغو کنسرت‌های موسیقی باعث بی‌ثباتی در این فضا شده و هنرمندان داخلی درحال برنامه‌ریزی برای برگزاری کنسرت‌های خارجی هستند**. به بهانه **اظهارنظرهای چند روز گذشته درباره لغو کنسرت ها، گفت‌وگوی کوتاهی با او انجام دادیم:**

فعلی در زمان انتخابات، اهالی فرهنگ بودند و بخش عمده‌ای از هنرمندان از رئیس‌جمهور حمایت کردند. برخی از جریان‌های رقیب دولت، از حربه لغو کنسرت‌ها استفاده سیاسی می‌کنند تا به‌نوعی از طرفداران دولت و کسانی که از دولت حمایت می‌کنند، کاسته شود و معدل کارنامه دولت را در بخش فرهنگ کم و هنرمندان را دلسرد کنند اما مقوله فرهنگ، عرصه مناسبی برای تسویه‌حساب‌های سیاسی نیست چون با فکر توده‌های مردم کار دارد و مخدوش‌کردن افکار عمومی برای بهره‌برداری‌های سیاسی کار اخلاقی‌ای نیست.

● **شما کنسرت‌های زیادی در داخل و خارج از ایران برپا کرده و یک‌بار هم با مشکل برگزاریشدن کنسرت در ایران مواجه شده‌اید. وقتی هنرمندی با لغو کنسرت مواجه می‌شود، چه ضرر و زبانی متوجه او می‌شود؟**

پاسخ این سؤال را می‌توانم در یک کلمه خلاصه کنم: بی‌ثباتی. برای روشن‌ترشدن موضوع یک مثال از

اعتراض «علیرضا خسمه» به منتقدان «پایتخت»

عداوت به‌جای عدالت

عملکرد منتقدان و مردم در مواجهه با یک سریال تلویزیونی، چطور حاصل شده است؟

اینکه منتقدان یا حتی عده‌ای از مردم تلویزیون نگاه نمی‌کنند به عملکرد تلویزیون برمی‌گردد که موقعیتی ندارد که همه اقشار، برنامه‌هایش را ببینند. درباره چرایی این اتفاق، مسئولان تلویزیون باید پاسخ بدهند، اما درباره سریال پایتخت باید بگویم اساسا این سریال برای منتقدان ساخته نمی‌شود که حالا بیایم بابت اینکه نمی‌بینند، سؤال طرح کنیم. این سریال، برای مردمی ساخته می‌شود که تلویزیون می‌بینند و سریال‌های مختلف را به هم مقایسه می‌کنند و بین سریال‌هایی که دیده‌اند، پایتخت را سریالی موفق می‌دانند؛ از لحاظ قصه و ساختار و شخصیت‌پردازی. حالا با توجه به این، باید یادآوری کنم پایتخت ادعایی ندارد که می‌خواهد جهان را فتح کند یا فرمول‌های دراماتیک جهان را جابه‌جا کند یا جامعه هدفش منتقدان هستند. این سریال، برای یک‌سری مردم زحمتکش است که می‌خواهند شب پس از فعالیت سنگین روزانه استراحت کنند و با تماشای این سریال بخندند. پایتخت دنبال انقلاب رسانه‌ای نیست، همین که مردم بتوانند دقایقی بختند بزند و خستگی روزشان را از تن به در کنند، ما به هدفمان رسیدیم، اما چرا برخی جبهه می‌گیرند که ما نمی‌بینیم یا می‌گویند پایتخت لودگی است؟ شاید چون عادت ندارند ببینند یک سریال به مرحله چهارم برسد. سریالی که به مرحله چندم می‌رسد، یعنی سریالی است که برای مردم و مسئولان جذاب بوده و فیدبک قابل‌قبولی داشته و این را هرکسی بر نمی‌تابد.

گاهی برخوردهایی هست که ریشه علمی یا هنری ندارند و بیشتر باید در حوزه روان‌شناسی فردی آنها را ریشه‌یابی کرد. آرزو می‌کنم بقیه سریال هم موردپسند مردم قرار گیرد و همچنین امیدوارم منتقدان سریال‌ها را ببینند و با انصاف و عدالت آنها را نقد کنند، نه با عداوت. ● **حفظ راکورد نقششان در چهار سال پیای دشوار نبود؟**

شخصیت‌ها در این سریال، شخصیت‌هایی نمایشی هستند که حفظ راکورد آنها برای بازیگران سخت نیست، سخت‌تر، این است که شخصیت‌هایی که چهار سال موردپسند قرار گرفته‌اند، در موقعیت‌های جدید، بتوانند همان شیرینی قبل را داشته باشند. برای بازیگر حرفه‌ای، حفظ راکورد یک نقش سخت نیست. امیدوارم توانسته باشیم جذابیت شخصیت‌ها را حفظ کنیم. ناب‌بودن شخصیت‌ها، در یکی، دو سری اول، شدنی است، اما وقتی به سری سه و چهار می‌رسد، شخصیت برای تماشاگر عادی می‌شود و برای حفظ جذابیت آن باید بسیار تلاش کرد.

● **به‌نظر می‌رسد نقش «بابانچعلی» با بازی شما، در این سریال، نقشی خنثی است و همیشه زیر سایه دیگر کاراکترها از جمله «نقی» و «ارسطو» است. موافقت؟**

اگر آینه‌ای مقابل زندگی بگذارید، می‌بینید در هر خانواده یکی می‌شود پدر، یکی مادر، یکی هم پدر-بزرگ و یکی هم فرزند. قرار نیست همه این افراد به یک اندازه در یک خانواده اثرگذار باشند. حتی پدر و مادر هم در یک خانه میزان تأثیراتشان متفاوت است. پدربزرگی که دچار کمهولت است و آلزایمر دارد مسلماً نمی‌تواند به اندازه پدر خانواده جمع‌بندی داشته باشد، پس کاراکتری که بر این اساس طراحی شود رئال است. زندگی رئال این حجم از حضور پدربزرگ را در خانواده می‌خواهد که ما آن را در کاراکتر «بابانچعلی» می‌بینیم.

● **در دوره چهارم «پایتخت» به‌نظر می‌رسد بیشتر تکیه سازندگان، بر همان نکات جذاب کاراکترهاست تا قصه. چرا؟**

یک قضیه‌ای هست که همیش دشوار نیست. تلویزیون ما، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و میان‌مدت ندارد. برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت است. تازه ۲۰ فروردین تصمیم می‌گیرند برای ماه رمضان، «پایتخت۴» بسازند. برای همین فرصت برای ساخت و پرداخت قصه کم است. درحالی‌که مثلاً اگر الان پس از اتمام این دوره به ما بگویند برای نوروز ۹۵ باید ادامه سریال را بسازیم، بسیار فرصت هست برای ساخت و پرداخت شخصیت‌ها

هنر

هنر

محمد معتمدی:

فرهنگ را دستخوش نزاع‌های سیاسی نکنیم

حوزه اقتصاد می‌گویم. وقتی اقتصاد یک کشور، ثبات نداشته باشد، سرمایه‌گذاری با شکست مواجه و رغبت سرمایه‌گذاران کم می‌شود. خیلی از هنرمندان ایرانی که در خارج از کشور فعالیت می‌کنند، رغبتی برای برگزاری کنسرت داخل ایران ندارند و آنها هم که داخل ایران فعالیت می‌کنند، درحال برنامه‌ریزی برای برپایی کنسرت در خارج از کشور هستند و به‌دنبال آن رونق عرصه فرهنگ کم می‌شود و وقتی این اتفاق بیفتد، عرصه برای جولان فرهنگ‌های وارداتی باز می‌شود.

● **همان‌طور‌که خودتان اشاره کردید، به دلیل احساس ناامنی برخی از هنرمندان مانند کیهان کلهر و گروه دستان اعلام کرده‌اند فعلا در داخل ایران کنسرت برگزار نمی‌کنند. اگر این روند ادامه داشته باشد، وضعیت موسیقی چگونه خواهد بود؟ به‌نظرم تداوم این شرایط، بیننده شبکه‌های ماهواره‌ای را زیاد می‌کند. باید به این نکته توجه کنیم که هر ضربه‌ای در حوزه فرهنگ، با گذشت نسل‌ها جبران می‌شود، پس اجازه ندهیم عرصه فرهنگ دستخوش نزاع‌های سیاسی شود.**

● **فضای هنر و موسیقی کشور نسبت به سال‌های گذشته چقدر تفاوت کرده است؟**

فضای کشور تحول داشته و شرایط بهتر شده است، اما دولت آقای روحانی انتظاری را در اذهان، به‌وجود آورد که در مقایسه با آن، شاهد چنان تغییرهایی نبودیم البته بخشی از آن به دلیل کارشکنی‌ها و دشواری‌های موجود بوده است و نمی‌توان منکر زحمات افراد شد.

● **در حال حاضر مشغول همکاری با ارکستر ملی ایران هستید. ارکستر ملی چه وضعیتی دارد؟ هر نمره‌ای که به کار آقای فخرالدینی در دوره قبلی بدیم، باید چند نمره بالاتر به رهبری ارکستر ملی در زمان فعلی بدیم، چون از نظر صدا، انگیزه و سطح اجرا ارکستر بهتری داشته‌ایم.**

● **آلبوم جدیدی از شما منتشر خواهد شد؟**
سیاست کارهایم را تغییر داده‌ام و تصمیم دارم کارهایم را به تهیه‌کنندگی خودم وارد بازار کنم. آشفتنکی بازار موسیقی و انحصارگرایی در نشر و پخش آلبوم‌ها باعث شد مؤسسه «آوای آبی‌رود» را ثبت کنم که درحال تولید دو سه آلبوم به صورت هم‌زمان هستم و تا پایان تابستان این مجموعه‌ها منتشر خواهد شد.

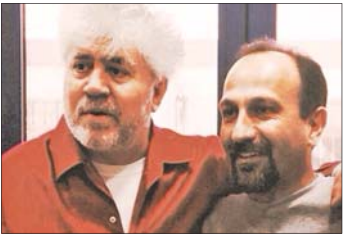
شماره

چهره روز

پدرو آلمادوار تهیه‌کننده فیلم اصغر فرهادی

اسپانیامیزبان

کارگردان اسکاری ایران



● **فرانک آرتا**، پروژه بین‌المللی اصغر فرهادی اکتبر سال ۲۰۱۶ در کشور اسپانیا کلید خواهد خورد. پروژه جدید سینمایی فرهادی، محصول مشترک کشورهای فرانسه و اسپانیاست. این نویسنده و کارگردان برنده اسکار، نگارش فیلم‌نامه جدید خود را سال گذشته به پایان رسانده است و طبق برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته قصد دارد مهرماه سال ۱۳۹۵ (اکتبر سال ۲۰۱۶) این فیلم را در اسپانیا کلید بزند.

الکساندر ماله‌گی، مدیر کمپانی منتوت، از کشور فرانسه که تهیه‌کنندگی «گذشته» فرهادی را نیز برعهده داشت و پدرو آلمادوار، فیلم‌ساز شهیر اسپانیایی، به‌طور مشترک فیلم جدید این کارگردان را تهیه خواهند کرد.

بازیگران این فیلم از میان هنرپیشگان آمریکایی و اسپانیایی انتخاب شده‌اند. قصه فیلم نیز به زبان انگلیسی و اسپانیولی روایت خواهد شد.

علاوه‌براین، اخبار حکایت از آن دارد که این‌روزها فرهادی قصد دارد پیش از سفر به اسپانیا و آغاز پیش‌تولید پروژه بین‌المللی‌اش، هفتمین فیلم سینمایی خود را در ایران کلید بزند. براساس خبرهای شیده‌شده، او قرار است یکی از طرح‌های نوشته‌شده‌اش را به‌زودی در ایران جلو دوربین ببرد. «گذشته» نخستین فیلمی بود که فرهادی در خارج از مرزهای ایران و به تهیه‌کنندگی شرکتی فرانسوی ساخت. این فیلم در جشنواره‌های متعدد خارجی به نمایش درآمد و نامزد جوایز گلدن گلوب و سزار شد و جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن را از آن برنیس بزو گرفت. «گذشته» در فرانسه نزدیک به یک‌میلیون نفر تماشاگر داشت.

«جدایی نادر از سیمین»، ساخته فرهادی، برای نخستین‌بار جوایزی چون اسکار و گلدن‌گلوب را برای سینمای ایران به ارمغان آورد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

باردیگر آوای «خورشیدفر»

به‌گوش می‌رسد

● **شرق**: آلبوم موسیقی «شاخه‌ای در دست باد»، به خوانندگی کامران مرتضوی و با هنرنمایی مرحوم علیرضا خورشیدفر به بازار موسیقی کشور آمد. اثر که براساس کلامی از شاعران معاصر خلق شده است، اشعاری از رهی معیری، گلچین معانی، پیمان بختیاری، شفیعی‌کدکنی، اسماعیل فرزانه، حامد حسین‌خانی و سمانه بابایی را شامل می‌شود. «صبح خنده‌ها»، «خوب نگاهش کردم»، «آواز دشتی با پیانوه»، «کل ناز»، «تو مرو»، «مهمین مهر» و «شاخه‌ای در دست باد» قطعاتی هستند که در این آلبوم شنیده می‌شوند. «شاخه‌ای در دست باد» روی نغماتی از پیمان خازنی و در قالب موسیقی ارکسترال تدوین شده است که علاوه بر برخورداری و بهر‌مندی از شاخصه‌های موسیقی ملی، سعی دارد از تازگی‌های شعر معاصر به‌نفع موسیقی ملی بهره ببرد. این آلبوم یکی از آخرین آثاری است که درنهایت علیرضا خورشیدفر در آن به هنرنمایی پرداخته است.

برپایی نمایشگاه «از ونگوگ تا پولاک»

شورشیان مدرن در آمریکا

● نمایشگاهی از نقاشی و مجسمه‌هایی از هنرمندان مدرن با عنوان «از ونگوگ تا پولاک، شورشیان مدرن» در موزه هنر میلواکی، واقع در آمریکا درحال برگزاری است. در این نمایشگاه آثاری در زمینه نقاشی و مجسمه از ۶۸ هنرمند که پایه‌های هنر مدرن را شکل داده‌اند همچون ونسان ونگوگ، ادگار دگا، پابلو پیکاسو، مارک شاکال، سالوادور دالی، فریدا کالو، اندی وارهول و جکسون پولاک به نمایش گذاشته شده است.

بردی رابرتز، نمایشگاه‌گردان موزه هنر میلواکی، در مورد این نمایشگاه گفت: «نمایشگاه ونگوگ تا پولاک، جنبه بصری قدرتمندی دارد و سفری تجربی برای علاقه‌مندان هنر است. این بهترین شانس مردم برای دیدن کارهای مهمی چون پست‌امپرسیونیسم تا پاپ است که بسیاری از آنها برای دهه‌ها مورد بازدید قرار نگرفته‌اند».

او در مورد آثاری که در این نمایشگاه نمایش داده شده است، گفت: «بسیاری از این ستاره‌های هنری، در مقابل عادات معمول آکادمی‌ها شورش کردند. آنها برای هنر موجود با چالش مواجه و متحمل خطر شدند. آنها در پاسخ به جهان اطرافشان نوآور بودند و نتایج کارشان قانع‌کننده است».

نمایشگاه «از ونگوگ تا پولاک، شورشیان مدرن» از ۱۸ جولای در آمریکا برگزار شده است و تا ۲۰ سپتامبر (شهریور) ادامه دارد.